

میزبانی
تالار اندیشه از
«ملکی‌ها» و «سنا»
فرهنگی و هنری


روز چهاردهم تیر ماه به پیشنهاد انجمن قلم ایران و تصویب ششورای فرهنگ عمومی، به عنوان (روز قلم) در تقویم رسمی جمهوری اسلامی ایران به ثبت رسید.

پیشینه روز قلم

البته توجه به قلم در سرزمین ما پیشینه‌های دیرینه دارد . سده‌ها پیش در ایران باستان، تیرگان (سیزدهم تیرماه) یکی از مهم‌ترین جشن‌های ایران باستان بوده که آیین‌های مخصوصی داشته و یکی از آن‌ها پاسداشت قلم بوده است. یکی از دلایلی که برای این جشن ذکر شده این است که در این روز، هوشنگ، پادشاه پیشداهای ایران، نویسنده‌ان و کتابان را به رسمیت شناخت و آنان را گرامی داشت، مردم جشن گرفتند و آن جشن به یادرجمندی قلم بر جای ماند. دلیل دیگری هم که برای این جشن ثبت شده، این است که به نوشته ابوریحان بیرونی، سیزدهم تیرماه روز ستاره تیر یا عطارد است و چون عطارد، کاتب ستارگان است، می‌توان سیزدهم تیرماه را روز نویسنده نامید.

گروه موسیقی محلی «ملکی‌ها» ۱۵ تیرماه روی صحنه رفته و به اجرای قطعات لری می‌پردازد. گروه موسیقی سنتی «سنا» نیز ۱۶ تیر ۱۳۹۶ برگزار خواهد شد و شامل بازسازی قطعاتی از دوره قاجار و همچنین ساخته‌هایی از «رضا پرویززاده» سرپرست و آهنگساز این گروه خواهد بود. هر دوی این کنسرت‌ها ساعت ۲۱ برگزار می‌شود و علاقه‌مندان می‌توانند برای تهیه بلیت با شماره تلفن ۰۹۲۸۱۵۳۸۰۹ تماس بگیرند و یا از طریق سایت ایران کنسرت اقدام کنند. این دو کنسرت به تهیه‌کنندگی «مجید فلاح‌پور» برگزار خواهد شد و «آیدا امیری‌مقدم» مدیریت اجرایی آن را بر عهده خواهد داشت.

ن وَ الْقَلَمَ وَ مَا یَسْطُرُونَ

است: یک دسته خطوطی را در برمی‌گرفت که با استفاده از ابزارهای تیز چون سوزن، چاقو و… نوشتاری، کنده کاری می‌شد. دسته دیگر شامل خطوطی است که به وسیله قلم پر، قلم نی، قلم مو و… و با استفاده از جوهر بر سطح ماده نوشتاری ترسیم می‌گردید. گفتنی است نسخه برداری از نوشته‌ای بر سنگ یا فلز به طور منطقی، در نهایت به اختراع چاپ انجامید.

قلم چیست؟

قلم، زبان عقل و معرفت و احساس انسان‌ها و بیان‌کننده اندیشه و شخصیت صاحب آن است. قلم، زبان دوم انسان‌هاست. هویت، چیستی و قلمرو قلم بسیار گسترده تر از آن است که در بیان بگنجد. هرگونه رشد و پیشرفت، پیروزی و آرامش و معرفت و شناخت، ریشه در قلم دارد. تمدن‌ها، تجربه‌های تلخ و شیرین و علوم با نوشتن ماندگار می‌شوند.

هر کس می‌تواند قلمی را بین انگشتانش بشرد و فرمانش دهد که بنگارد و هر آنچه را از مخیله صاحب انگشت تراوش می‌کند، بنویسد. قلم، تخریب می‌کند. می‌سازد. واقعیت‌ها را آشکار می‌کند. آشکارها را نهان می‌کند. به واقع قلم، معجزه‌ای جاودان است.

قلم مدرن

در آغاز قرن بیستم، کسی این تردید را به خود راه نمی‌داد که قلم و کاغذ را مهم‌ترین و مؤثرترین ابزار ذخیره سازی اطلاعات بدانند؛ زیرا در آن زمان جوامع از نظر اقتصادی و فکری به جامعه‌های کاغذ مدار تبدیل شده بود.اما پایه‌های این ساور پس از چندی به لرزه در آمد و با ظهور رایانه، رشد سریع فناوری اطلاعات، تلویزیون،



استفاده‌های گوناگون از میکرو فیلم، میکرو فیش و ابزارهای الکتریکی، برتری بی‌رقیب کاغذ و قلم سنتی، به طور جدی به مبارزه طلبیده شد.سوگند خاوند در قرآن به نام قلم، گویاترین شاهد بر شرافت و قدالت آن است. همان طور که در طول تاریخ، شکل ظاهری قلم عوض می‌شده است، روز به روز همراه با صنعت رو به رشد نیز تغییر می‌کند. اگر چه هنوز کتاب‌خانه‌های الکترونیکی و اداره‌های بدون کاغذ و قلم و جامعه‌های بدون کتاب نیامده است و شاید هرگز نیاید، ولی موقعیت ابزار و مواد نوشتنی از بنیاد دگرگون شده است. این دگرگونی در ظاهر قلم‌ها و نوشته‌ها، نه تنها از ارزش قلم و صاحبان آن نمی‌کاهد، بلکه به دلیل انتقال لحظه‌ای نوشته‌ها، هرآینه مسئولیت و وظیفه قلم را صدمه‌چندان می‌کند.

جایگاه قلم در اسلام

سوگند خاوند در قرآن به نام قلم، گویاترین شاهد بر شرافت و قدالت آن است: **«ن وَالْقَلَمِ وَ مَا یَسْطُرُونَ؛ سوگند به قلم و آنچه نویسنده»** در جایی که خاوند، صاحب هستتی به آفریده‌ای از آفریده‌های خود قسم یاد می‌کند، بشر در چه جایگاهی می‌تواند از ارج و منزلت آن سخن براند. در نخستین ارتباط وحیانی رسول خدا صلی الله علیه و آله با مبدأ هستی در غار حرا، سخن از قلم به میان می‌آید، تا جایی که خاوند خود را این گونه معرفی می‌کند: **«الذی عَلَّمَ بِالْقَلَمِ»** آن که با قلم آموخت.»

می‌نویسد: «بیان دو گونه است: بیان زبان و بیان قلم. بیان زبان، با گذشت زمان کهنه می‌شود و از بین می‌رود، ولی بیان قلم تا ابد باقی است.»

برگزاری نخستین جشنواره ملی شعر جامعه پزشکی

– هرگونه تخلف در موارد فوق موجب حذف شرکت کننده از جشنواره خواهد شد و تبعات قانونی مربوطه را در پی دارد.

شرایط ارسال آثار:

– ثبت نام و دریافت کد رهگیری فقط از طریق سایت جشنواره نبض ویژه‌ها به نشانی اینترنتی زیر میسر خواهد بود: **www.jph-iran.com**

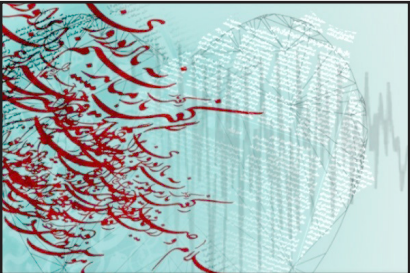
– فرمت فایل آثار ارسالی باید در PDF/WORD باشد.

– هر فرد شرکت کننده در هر بخش از جشنواره، می‌تواند همزمان در تمام موضوعات (شعر کلاسیک – شعر نو – ترانه) آثار خود را ارسال کند.

جوایز:

– به نفرات اول در هر بخش و هر موضوع تندیس جشنواره، لوح تقدیر و جایزه نقدی تعلق می‌گیرد.

– به نفرات دوم در هر بخش و هر موضوع لوح تقدیر و جایزه نقدی تعلق می‌گیرد.



(ج) داوران بخش ترانه عبارتند از: آقایان ۱)عبدالجبار کاکایی، ۲)اهورا ایمان ۳)کامران رسولزاده

مقررات عمومی:

–شرکت کنندگان اعم از پزشکان و دانشجویان می‌بایست فرم ثبت نام را تکمیل و اطلاعات درج شده را تایید کنند.

–شاعران ارسالی از آثار شخص شرکت کننده در جشنواره باشد.

جزئیات کنسرت وکاپلا با مهمانی فرانسوی

سرپرست گروه آوازی تهران (وکاپلا) که قرار است با یک مهمان فرانسوی اولین اجرای سال جدید خود را به صحنه ببرد. همچنین مهمان این برنامه مدرس کنسرواتوار ملی پاریس در رشته‌های رهبری کر، خوانندگی و موزیکولوژی است.

در تماس‌هایی که بعد از این ملاقات با یکدیگر داشتهیم، او برای حضور و اجرا در ایران ابراز علاقه کرد. من نیز دوست داشتمت این اتفاق رخ دهد و از تجربه فردی تازه استفاده کنم. بنابراین از پاییز سال گذشته، ریزیته‌ها را آغاز کردم و همچنین برای این سفر با سفارت فرانسه در ایران نامه‌نگاری کرد. این رهبر فرانسوی ۱۴ تیرماه به تهران خواهد آمد و تا ۱۵ تیر، اولین تمرین خود را برگزار خواهیم کرد. عمرانی سرپرست گروه آوازی تهران با بیان این‌که این گروه قصد دارد بعد از هفت سال، تجربه‌ای را که دوست داشته است، بار دیگر تکرار کند، گفت: ما به‌دنبال فرصتی بودیم که رپرتوار اجاره حضور نوازنده مهمان را در کنار گروه

آغاز اجرای «اپرای عروسکی خیام» از ۲۵ تیر



یاکدست، مریم اقبالی (دستیاران کارگردان).

اپرای عروسکی «خیام» جدیدترین پروژه گروه تئاتر «آران» و آغاز رپرتوار اپراهای عروسکی این گروه است.

«فروشنده» در رتبه چهارم لیست بهترین فیلم‌های ۲۰۱۷

تمامی فیلم‌های حاضر در این فهرست از تاریخ اول ژانویه تا ۳۰ ژوئن در سینماهای آمریکا اکران شده‌اند و بالاترین امتیازها را از سوی منتقدین سینمایی دریافت کرده‌اند. «متاکریتیک»، وب سایتی‌ست که فیلم‌ها را بر اساس نظر منتقدان سرشناس جهانی رتبه‌بندی می‌کند و به آن‌ها امتیاز می‌دهد. در این فهرست مستند «به او مورگان می‌گفتم» ساخته «کاسپر کلین» با امتیاز ۹۰ در

وب سایت‌های متاکریتیک در فهرست بهترین فیلم‌های اکران شده در سال ۲۰۱۷ فیلم «فروشنده» را در جایگاه چهارم قرار داد.

غیرانگلیسی جوایز سینمایی اسکار شد، در فهرست ۲۵ وب سایت معروف «متاکریتیک» که بر اساس بالاترین امتیاز منتقدین سینمایی مرتب شده است با امتیاز ۸۵ از ۱۰۰ در رتبه چهارم قرار گرفت.

ستون یاد

هنرمندی که مادر کودک کان خیابانی بود


الهام ربیسی‌فرد*انبه – روزنامه‌نگار*


در گفت‌وگو با روزنامه سرمایه گفته بود: «آدم‌ها نمی‌میرند، عدم حضور جسمانی مرگ نمی‌آورد، نگاه حقیقت طلب این آدم‌هاست که نگهشان می‌دارد، برای همین است که من هرگز برای دیدن کاوه بر سر مزار نمی‌روم. کاوه رفتنی نیست، چشمانش را همیشه زنده، وام داده به تصاویری که دنیا را تکان داده‌است.»

نامش همیشه زیر سایه حاشیه‌های زندگی گلستان محو و کم‌رنگ بود اما خودش انسان محو و کم‌رنگی نبود.

مریم فخر اعظم تقوی شیرازی زاده (۱۳۰۴ – درگذشته تیر ۱۳۹۱ تهران) معروف به فخری گلستان، سفالگر، مترجم و فعال حقوق کودکان ایرانی بود.

او در سال ۱۳۰۴ متولد شد و در ۱۷ سالگی با پسرعموی خود، ابراهیم گلستان، نویسنده و فیلمساز معروف ایرانی، ازدواج کرد. وی را جزو نخستین کسانی می‌دانند که در تهران، اقدام‌هایی را در جهت سر و سامان دادن به وضعیت کودکان خیابانی انجام داد. او تا سال‌ها مدیر پرورشگاهی بود که به تربیت فرزندان معذنان می‌پرداخت. او در سال‌های اخیر سفالگری می‌کرد و چند نمایشگاه انفرادی از آثارش برگزار کرده بود. او همچنین از سوی دوسالانه سفالگری مورد تقدیر گرفته‌است. «قبل»، نوشته اسلوا میر مزوک، نویسنده لهستانی، و «کسی مرا نمی‌شناسد؛ صدای کودکان زاغ‌نشین آمریکا» از ترجمه‌های فخری گلستان است. او مادر کاوه گلستان، عکاس و مستندساز بود که در عراق کشته‌شد. وی از سال‌ها قبل تا هنگام مرگ، جدا از ابراهیم گلستان زندگی می‌کرد. فخری گلستان در میانه‌های هشتمین دهه زندگی، در کارگاه سفال اش چرخ را می‌چرخاند و می‌چرخاند، او هر چند وقت یک بار، در دست در آخرین روزهای سال هم نمایشگاهی در گالری گلستان برپا می‌کنند. می‌گوید: «گل و مجسمه سازی آرامش عجیبی به من می‌دهد.» او در سال ۱۳۷۴ در مجله تویف شده "زنان" یادداشتی با عنوان "سفالگری را برای زنده‌بودن می‌خواهم نه برای زندگی" نوشته بود.

اما این تنها بخشی از فعالیت‌های فخری گلستان طی این سال‌هاست، خانم گلستان جزو اولین کسانی است که در تهران در سال‌های دور اولین گام‌ها را برای سروسامان دادن به وضعیت کودکان خیابانی برداشت. ایشان تا پیش از این در هیچ شاخه هنری فعالیت نداشت و در دوران حیات‌شان مسئولیت پرورشگاهی را بر عهده داشت که فرزندان افراد معناد را تربیت می‌کرد و تمام این سال‌ها افرادی تحصیل کرده را به جامعه تحویل داد. او بعد از انقلاب به شکل خودآموخته به هنر سفالگری روی آورد و به طرز باورنکردنی هنری مدرن داشت. ایشان در فاصله این سال‌ها حدود ۱۰ نمایشگاه انفرادی در گالری گلستان و در چند بینال تخصصی نیز حضور داشت و سال گذشته نیز از سوی بینال سفالگری مورد تقدیر قرار گرفت.

او در روز ۱۶ تیر ۱۳۹۱ در تهران در سن ۸۷ سالگی درگذشت.

لیلی گلستان مدیر گالری گلستان به گفته‌است که مادرش بعد از انقلاب از سن ۵۰ سالگی به سفالگری پرداخت و آثارش را چند بار به نمایش گذاشت. لیلی گلستان کهولت سن و ضربه مرگ کاوه را علت درگذشت مادرش ذکر کرده‌است.

«ایشان بیماری خاصی نداشت، اما از مرگ پسرش، کاوه گلستان، ضربه بزرگی خورد که فکر می‌کنم علاوه بر کهولت سن، تحمل داغ فرزند یکی از اصلی‌ترین دلایل مرگ ایشان بود.»

لیلی گلستان گفت به درخواست مادرش، مراسم تدفین او در جمعی کوچک و خانوادگی برگزار شد.

کتابخانه‌ای برای زندگی بهتر

دریاچه

نویسنده: بنانا یوشیموتو
ترجمه: مؤگان رنجبر
انتشارات: کوله پستی

کتاب دریاچه یک داستان ژاپنی اثر بنانا یوشیموتو است.

دریاچه در بین نامزدهای نهایی جایزه ی ادبی آسیا سال ۲۰۱۱ قرار داشته‌است.در قسمتی از پشت جلد کتاب می‌خوانیم:

در حالی که «دریاچه» عناصر زیادی را به نمایش می‌گذارد که باعث شهرت بنانا یوشیموتو شده است، شخصیت‌های سرزنده اما غیر عادی، نثری روان و در عین حال گونه‌گون، طرحی داستانی جدی همراه با آهنگ حرکتی شاد و امیدوارانه، یکی از اسرارآمیزترین داستان‌هایی است که او تاکنون نوشته است.

داستان کتاب دریاچه

پنجره‌هایشان رویه روی یکدیگر قرار دارد زندگی می‌کنند.

تاکاجیما و چی هیرو کم کم عاشق همدیگر می‌شوند، اما نه یک عشق آتشین و پرشور بلکه یک عشق آرام که به مرور زمان شکل می‌گیرد.

هر دو شخصیت داستان انسان‌های تنها هستند با پیشینه خاص که به هم دل می‌بندند.

این کتاب داستان عشق به خانواده، والدین و فرزندان هم هست و این که این روابط چگونه می‌توانند زندگی هر فردی را به صورت کامل عوض کرده و تحت تأثیر خودش قرار دهد. داستان کتاب دریاچه کمی مرمآگونه و رازآلود می‌باشد و خواننده در درگیر خود می‌کند.

درباره کتاب

دریاچه یک عاشقانه آرام از نوع عشق‌های عجیب و غریب ژاپنی است.

تاکاجیما و چی هیرو دو همسایه‌اند که پنجره‌هایشان رو به روی یکدیگر باز می‌شود و همین آغاز دوستی و عشق آن‌هاست.

تاکاجیما که گذشته‌ای تلخ و مبهم دارد در رابطه با چی هیرو دچار حالات خاصی است که داستانش با تأکید بر آن حالات و عشق عجیب تاکاجیما به مادر مردارش به رمزگشایی و گره گشایی آن می‌پردازد.

دریاچه داستان انسان‌های معمولی اطراف ماست که مهم نیستند اما سعی می‌کنند در محیط اطرافشان رنگ و بویی از خودشان را برجای بگذارند.

انسان‌هایی که به هم نزدیک می‌شوند اما از دوری‌ها در آغوش یکدیگر می‌ترسند و شاید یوشیموتو راوی عشق و خوشبینی در عمر کج خلقی و رفتارهای مکانیکی باشد.

قسمت‌هایی از کتاب دریاچه

اندک اندک، در هر بار به اندازه‌ای یک اینچ فاصله‌ی بین ما کمتر می‌شد. من همیشه دوست داشتم نزدیک پنجره باشم و اهمیتی نداشت که هوا چقدر سرد باشد. از این رو حتی در طی زمستان، من و او مدام برای هم دست‌تکان می‌دادیم. من می‌گفتم: «امروز حالت چطوره؟». «خوبم». من نمی‌توانستم صدایش را بشنوم، اما می‌توانستم لب خوانی‌اش را بکنم. و او لی‌بخند می‌زد. این موضوع به گونه‌ای بود که انگار جایی که ما در آن زندگی می‌کردیم، سرنوشته خاصی را برای ما مقرر کرده بود، و احساساتی را به ما می‌بخشید که هیچ کس دیگری نمی‌توانست در آن سهیم شود. در طی روزهایی که می‌گذشتند، ما همیشه حواس‌مان به پنجره یکدیگر بود، و به همین خاطر کامیابش این گونه احساس می‌شد که داشتم با هم زندگی می‌کردیم. وقتی چاق‌های خانم تاکاجیما خاموش می‌شد، من به این فکر می‌افتم که شاید دیگر وقتش است که من هم برم و بخوابم. آن هنگام هنوز باور داشتم، خیلی بیشتر از اکنون، که دنیا ضرورتاً تا مکان شادی است؛ سرتراش از صدای خانواده‌هایی که با هم شام می‌خورند، لی‌بخند روی چهره یک مادر هنگامی که صبح، رقت شوهرش را به سر کار می‌بیند، گرمای ساطع شده از فرد محبوب کنارتان به هنگامی که در نیمه‌های شب از خواب بر می‌خیزید.
هیاهوی آنجا و عطش قهوه و صدای تعداد بی‌شماری از افراد جوان، حسی از منگی خفید در من باقی گذاشت، چون مدت‌ها بود که از این چیزها به دور بودم. به ذهنم رسید که اگر من روح بودم، این محیط چیزی بود که بیشتر دلم برایش تنگ می‌شد. هیاهوی عادی و روزمره زندگی، مطمئتم که ارواح، آرزوی احمقانه‌ترین و پیش‌پاافتاده‌ترین چیزها را دارند.



عنوان یک کدو سبز»، درام فتلاندی شاندرنای روز در زندگی اولی ماکی»، از «جوهو کوسمان»، «خزیدار لی‌بخند شخصی» از «اوتور آسآیاس»، فیلم آکشن «لوگان» به کارگردانی «جیمز منگولد»، «فریب‌خورده» ساخته جدید «سوفیا کاپولا»، فیلم ابرقهرمانی «زن شگفت‌انگیز» و فیلم «وکجا» ساخته «بونگ جون-هو» از کره جنوبی اشاره کرد.

رتبه نخست قرار گرفته و پس از آن فیلم‌های «راننده کودک» به کارگردانی «داگار رایت» و کمدی رامنتیک «بیمار بزرگ» ساخته «مایکل شوولتز» با امتیاز مشابه ۸۶ در رتبه‌های دوم و سوم قرار گرفته‌اند. از جمله فیلم‌های مطرحی که در این فهرست پائین‌تر از فیلم «فروشنده» قرار گرفته‌اند می‌توان به «فازغ‌تحصیلی» ساخته «کرستین منچیو»، انیمیشن «زندگی من به

تمامی فیلم‌های حاضر در این فهرست از تاریخ اول ژانویه تا ۳۰ ژوئن در سینماهای آمریکا اکران شده‌اند و بالاترین امتیازها را از سوی منتقدین سینمایی دریافت کرده‌اند. «متاکریتیک»، وب سایتی‌ست که فیلم‌ها را بر اساس نظر منتقدان سرشناس جهانی رتبه‌بندی می‌کند و به آن‌ها امتیاز می‌دهد. در این فهرست مستند «به او مورگان می‌گفتم» ساخته «کاسپر کلین» با امتیاز ۹۰ در